پنجشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

معاون بایدن کمپین خود را چطور شروع کرد؟ نظرسنجی‌ها چه می‌گویند؟

هریس؛ غول جیبی دموکرات‌ها

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

بایدن به‌طور کامل از صحنه سیاسی آمریکا حذف شده است. برخی حتی به دلیل منتشر نشدن یک فیلم یا حتی عکس از او در حین قرنطینه کرونا، خواستار تایید زنده ماندن او شده‌اند. در برابر همه مردگی‌ها در سرنوشت بایدن، زندگی برای هریس جریان یافته است. او امروز در مرکز توجه دموکرات‌ها، آمریکا و جهان است. بسیاری امیدوارند هریس در رقابت‌ها توانمند ظاهر شود تا دیگر قدرت‌گیری ترامپ در تاریخ ثبت نشود.

بررسی وضعیت هریس

حضور کامالا هریس در انتخابات برای دموکرات‌ها تلخ و شیرین است. او در دوران معاونت ریاست جمهوری محبوبیت کم و گاف‌های زیادی داشت. در مقابل هریس ظرفیت‌های زیادی نیز دارد. در ادامه تلاش شده به برخی از مسائل مهم پیش روی هریس در رقابت‌ها پرداخته شود.

۱. حزب دموکرات در سال‌های اخیر تحت تاثیر جناح‌های چپ و سوسیالیست قرار گرفته است. هرچند همچنان چپ‌گرایی و سوسیالیسم به دلیل تبعات باقی مانده از جنگ سرد و رقابت با شوروی واژه‌هایی با بار منفی در جامعه آمریکا هستند، اما دیدگاه‌ها و برنامه‌های چپ‌گرایانه و سوسیالیستی را به دلیل نفعی که برای جامعه دارند، می‌پسندند. اگرچه دولت اوباما با طراحی لایحه درمانی «اوباکر» دست به اقدامی چپ‌گرایانه زد اما او و دولتش به طور کامل این‌گونه نبودند. از سال ۲۰۱۶ چپ‌گرایان کامل برای کسب قدرت، رخ نمایی کردند. برنی سندرز، مشهورترین و قدرتمندترین چهره این جریان در آن زمان تلاش کرد به عنوان نامزد نهایی حزب دموکرات وارد رقابت‌ها شود اما با وجود آرای بیشتر در رقابت‌های درون حزبی، سران حزب با تقلب و کودتا علیه خواست اکثریت، هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق و همسر رئیس جمهور اسبق را راهی انتخابات کردند. برخی معتقد بودند اگر سندرز در مقابل دونالد ترامپ قرار می‌گرفت، می‌توانست به پیروزی دست یابد. با وجود جناح متفاوت ترامپ درباره طبقات فرودست مواضعی گرفت که باعث شد در برابر کلینتون به پیروزی برسد. در انتخابات سال ۲۰۲۰، جریان چپ حزب دموکرات دو چهره داشت؛ با این حال برنی سندرز و الیزابت وارن هر دو ناموفق بودند. به نظر می‌رسد هریس یک چهره کامل از جناح چپ‌گرای حزب باشد؛ با این حال او یک چپ مدرن و غربی است با شعارهای حمایت از سقط جنین، حفاظت از محیط زیست و حقوق زنان. هرچند اوباما و بایدن نیز تلاش کردند از جنبه‌های قدرتمند چپ‌گرایی درون حزب برای جلب جامعه بهره گیرند اما قطعا چپ‌های کامل قادر به مانور بیشتری هستند.

۲. تمام تغییراتی که به سرعت در آرایش انتخاباتی دموکرات‌ها رخ داده‌اند لزوما مانور هوشمندانه حزب نیستند؛ گرچه آماده‌سازی هریس و جاگذاری مناسب او در دولت نشان‌دهنده هوشمندی بلندمدت این حزب است. در قالب انتخابات بایدن و هریس جدا گانه دیده نمی‌شوند بلکه ارزیابی همه زوج بایدن-هریس است. اگر بایدن به دلیل افتضاح مناظره و کهولت سن کناره‌گیری می‌کرد و هریس به عنوان جایگزین برجسته وی مطرح نمی‌شد، به این معنا بود که دموکرات‌ها در چهار سال گذشته یک زوج مدیریتی بی‌خاصیت را به کاخ سفید فرستاده بودند؛ رئیس جمهوری فرتوت که به دلیل ناتوانی جسمی-ذهنی دوره حکومتش تحت تاثیر قرار گرفت و درنهایت نتوانست در دور دوم شرکت کند و معاونی که حزب به او برای جایگزینی با رئیس جمهور اعتماد نداشت!

۳. هریس در رقابت‌های درون حزبی ۲۰۲۰ ناموفق ظاهر شد اما این اتفاق ضربه‌ای به موقعیت کنونی او نیست. بایدن نیز در دهه ۱۹۸۰ کمپین ناموفقی داشت. هرچند این دو مورد فاصله زمانی زیادی دارند، اما می‌توان به آن توجه کرد.

۴. عنصر سن تاکنون مورد استفاده جمهوریخواهان قرار می‌گرفت. بایدن فرتوت و ۸۲ ساله مورد حمله جمهوریخواهان بود، با وجود آنکه ترامپ خود نیز ۷۸ سال داشت. این تهدید وجود دارد که ترامپ در دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری که به سنی مشابه بایدن می‌رسد قادر نباشد برای دور دوم نامزد شود. در این صورت آمریکا برای سه دوره پیاپی با روسای جمهور تک دوره‌ای مواجه خواهد بود. امروزه اما هریس ۶۰ ساله در موقعیت سنی بسیار مناسبی قرار دارد. او ۱۸ سال یا دو دهه از ترامپ جوان‌تر است. از سوی دیگر جوانی او به‌گونه‌ای نیست که بی‌تجربه نشان داده شود.

۵. با وجود مداخلات و تلاش برای اثرگذاری بر روندها نمی‌توان به نظرسنجی‌ها اعتماد کرد اما راهی دیگر نیز وجود ندارد. یک نظرسنجی جدید که توسط موسسه Marist با مشارکت رادیو ملی عمومی (NPR) و شبکه رادیو تلویزیونی PBS، انجام شده، ترامپ تنها یک درصد از هریس بالاتر است. در این نظرسنجی ترامپ با ۴۶ درصد و هریس با ۴۵ درصد حمایت در سطح ملی را به دست آورده‌اند.

همچنین یک نظرسنجی انجام شده توسط موسسه رویترز-ایپسوس نشان می‌دهد هریس موقعیتی بهتر دارد. براساس این نظرسنجی ۴۴ درصد از رأی دهندگان به هریس و ۴۲ درصد به ترامپ اقبال نشان داده‌اند. ۱۴ نیز اعلام کرده، مردد هستند.

۶. درحالی‌که بایدن به‌عنوان رئیس جمهور و فردی که دارای جایگاه بین‌المللی است بر مسائل خارجی نیز متمرکز بود کامالا هریس بر موضوعات داخلی تمرکز داشت؛ حتی موضوعات خارجی هریس مانند سفر به کشورهای آمریکای لاتین بر مساله مهم داخلی مهاجرت بنا شده بودند. هریس در برخی موضوعات مانند مهاجرت مورد اتهام مخالفان قرار گرفت اما در هر صورت تمرکز او بر مسائل داخلی یک امتیاز مثبت برایش در رقابت‌هاست. اگر معاون رئیس جمهور بتواند احاطه خود بر موضوعات را با توانمندی‌های زبانی ترکیب کند، ترامپ کار دشواری در برابرش خواهد داشت.

۷. در سیاست خارجی هریس حامی پروپاقرص رژیم باقی می‌ماند اما کمتر از ترامپ و بایدن فلسطینی‌ها را نادیده خواهد گرفت. بر این اساس او برای اصلاح وضعیت خارجی و داخلی توجه بیشتری بر فلسطین خواهد داشت. آن‌گونه که مشخص است فلسطین دیگر موضوعی سیاست خارجی نیست، با شورش مردمی و خیزش دانشگاه‌ها این قضیه به موضوعی داخلی نیز تبدیل شده است. هریس باید فکری به حال آن بکند؛ راهکار ترامپ برای مقابله با این خیزش اخراج طرفداران فلسطین است. پروژه ترامپ و محافظه‌کاران طولانی مدت و ایمنی بخش آینده است. مهاجران و طرفداران فلسطین اخراج و سرکوب می‌شوند تا در آینده نظام سیاسی کنونی با تهدید مواجه نشود؛ اجرای چنین پروژه‌ای تبعات خاص خود را دارد. ترامپ در دوره ریاست تک دوره‌ای خود با تبعات حرکت‌های رادیکال به سمت پروژه‌های سنگین روبه رو شد و کاخ سفید را از دست داد. به نظر می‌رسد اگر جنب و جوش‌های داخلی و مشکلات طبقات معترض بحرانی تلقی شود، دولت عمیق آمریکا همانند دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ تغییرات بزرگی را پذیرا شود. هریس خود نماد و البته تسهیل کننده هضم و جذب این مشکلات است. باید دید دولت عمیق آمریکا تصمیم می‌گیرد این مشکلات را با دموکرات‌ها هضم کند یا با ترامپ به دنبال جراحی پرخونریزی آنها باشد.

۸. به لحاظ بین‌المللی حامیان هریس اروپایی‌ها، چین و هندی‌ها هستند. در مقابل روسیه، رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی از ترامپ حمایت می‌کنند.

۹. هریس با مشکلاتی در سطح اوباما مواجه نیست. به نظر می‌رسد او امروزه کمتر یک سیاه‌پوست شناخته می‌شود. هریس می‌گوید مادرش او و خواهرش را به این دلیل که می‌دانست در جامعه آمریکا سیاه‌پوست شناخته خواهند شد، در میان سیاه‌پوستان بزرگ کرده است. در این میان باید در نظر گرفت جایی که هریس در آنجا رشد کرده ناگزیر محیطی سیاه‌پوست بوده و نمی‌تواند تنها یک انتخاب هوشمندانه از سوی مادرش باشد. اما آنچه در این میان اصلی‌ترین مساله است، تلاش و مرزبندی جدی هندی تباران در آمریکا با آفریقایی تباران با تاکید بر هویت متفاوت و مستقل است. هندی تباران که امروزه جمعیت قابل توجهی در آمریکا یافته‌اند، نمی‌خواهند همانند آفریقایی تباران تلقی شوند. این موضوع دلایل بسیاری دارد. از یک بعد، حضور هندی تباران را نباید با آفریقایی تباران قیاس کرد. آفریقایی تباران به شکل برده به آمریکا آورده شدند و از ابتدا احترام بالایی در جامعه مقصد نداشتند. هندی تباران اما خود با تصمیم پا به آمریکا گذاشتند و بدون آنکه تبدیل به مساله و بحرانی بزرگ شوند، در جامعه این کشور ادغام شدند، از سوی دیگر نمی‌تواند هندی تباران را سیاه‌پوست دانست، زیرا بسیاری از هندی تباران، در این دسته جای نمی‌گیرند.

۱۰. اغلب مردم آمریکا از برنامه‌های بایدن رضایت داشتند اما نگران سن و وضعیت جسمی او بودند، از طرفی در نظرسنجی‌ها، آرای بایدن و هریس در برابر ترامپ تقریبا مشابه بود. این مساله نشان می‌داد جایگزینی بایدن با هریس بدون مشکل و حتی مزیت ساز است. به نظر می‌رسد با افتضاح بایدن در مناظره یکسانی این دو به نفع هریس تغییر یافت.

۱۱. از وزنه‌های عالی حزب دموکرات بایدن، خانواده کلینتون و پلوسی از هریس حمایت کرده‌اند، همچنین حمایت اکثر نمایندگان کنوانسیون حزب دموکرات با اوست. با این حال در فضای کنوانسیون احتمال دارد برخی بخواهند خودی نشان دهند. بسیار دشوار است که فردی در این مدت کوتاه بتواند با خودنمایی نظرها را به خود جلب کند. علاوه بر خودنمایی، گزینه‌ها باید بتوانند در مدت کوتاهی منابع مالی قابل توجهی دریافت کنند.

۱۲. شوک خروج بایدن تاکنون مثبت بوده است. بخشی از این مثبت بودن به دلیل شیب نزولی بزرگی بود که افتضاح مناظراتی بایدن آفریده و ترور ترامپ آن را تشدید کرد، همچنین پس از کناره‌گیری بایدن، حزب چندپاره نشد و بدون ظهور رقیبی قدرتمند، اکثر حمایت‌ها به هریس تعلق گرفت.

۱۳. هریس برای افزایش حمایت‌ها از کمپین خود، یک اقدام استفاده نشده موج‌آفرین در دستانش دارد. هنوز دموکرات‌ها معاون هریس را انتخاب نکرده‌اند اما با توجه به زمان برگزاری کنوانسیون دموکرات‌ها، این انتخاب طولانی نخواهد بود.

۱۴. مختصات معاون هریس همچنان مشخص نیست اما به طور طبیعی معاون او باید سفیدپوست و مرد باشد. در دوره اوباما رئیس جمهور سیاه‌پوست و پروتستان بود و معاونش سفیدپوست و کاتولیک به حساب می‌آمد. در خصوص هریس وضعیت مشابه است. او رنگین‌پوست و پروتستان است. هریس همچنین فردی نزدیک به جناح چپ شناخته می‌شود و به همین دلیل معاونش باید اندکی میانه‌رو تر باشد؛ هرچند نیاز نیست به جناح راست تعلق داشته باشد تا دیدگاه‌های رئیس جمهور در افکار عمومی بی‌اثر تلقی شده یا این اقدام تلاش حزب برای مهار هریس جلوه یابد.

۱۶. ترامپ در حال عمل به شکل متناقضی است. او در سال ۲۰۱۶ در حالی که نامزد جناح راست شده بود، موفق شد نظر طبقه پایین دست را به خود جلب کند؛ هرچند این طبقه پایین دست سفیدپوستانی بودند که دلیل اصلی دستمزدهای پایین خود را مهاجران می‌دانستند. جناح محافظه‌کار عمدتا به دلیل سختگیری و اعمال محدودیت بر مردم مجبورند رای کم را تحمل کنند. پدیده ترامپ اما توانست با برخی زیرکی‌ها، قاعده رای جمهوریخواهان را با دوپینگ افزایش دهد. هریس اگر بتواند ضد این دوپینگ آرا عمل کرده و آنها را به سبد اصلی و سنتی شان در حزب دموکرات بازگرداند، طبق رویه مرسوم سه دهه اخیر حائز اکثریت آرا خواهد شد.

۱۷. یکی از هراس‌ها درباره هریس، ناکامی مناظراتی او در برابر ترامپ است. این مساله اما با شواهد دیگری قابل نقض به نظر می‌رسد. یک نظرسنجی نشان داده ۵۶ درصد رای دهندگان موافق بوده‌اند که هریس «ذهنی تیز و قادر به مقابله با چالش‌ها» دارد اما تنها ۴۹ درصد چنین نظری درباره ترامپ داشته‌اند.

هریس ذهن تیز خود را در طول سخنرانی‌ها و رفتارهای خود به جامعه آمریکا قبولانده است. او در رقابت‌های درون حزبی انتخابات پیشین با این ذهن تیز خود، ضربه‌ای ناراحت‌کننده به بایدن زد. هریس در جریان مناظره به شکل غیرمنتظره‌ای به بایدن یادآوری کرد که او در دهه ۱۹۷۰ مخالف طرحی برای عادی سازی روابط سیاه‌پوستان و سفیدپوستان بوده است. در این طرح باید دانش آموزان سیاه‌پوست به مدارس با اکثریت سفیدپوست برده و همچنین از سوی دیگر دانش آموزان سفیدپوست به مدارس با اکثریت سیاه‌پوست اعزام می‌شدند. بایدن پس از این اتفاق تاکید کرد آمادگی حمله از سوی هرکسی را داشته اما نه از سوی هریس و آن هم این‌گونه! بایدن به سابقه دوستی هریس با پسر درگذشته‌اش «بو بایدن» اشاره کرده و گفته بود هریس خود او را نیز می‌شناسد.

۱۸. باراک اوباما در اندونزی زیسته بود اما پدرش تبار کنیایی داشت. هریس نخستین فردی است که تبار آسیایی دارد. هرچند آسیایی تباران نیز مورد نفرت در جامعه آمریکا قرار گرفته‌اند اما این نفرت کمتر از چیزی است که برای آفریقایی تباران وجود دارد.

۱۹. هریس در فرآیند رقابت‌های درون حزبی برای برگزیده شدن قرار نگرفته و نهایی شدن نامزدی او صرفا در مرحله آخر می‌تواند برای وجهه او آسیب زا باشد. شاید جمهوریخواهان انتخاب او را غیردموکراتیک جلوه دهند حتی اگر او انتخاب برنده نهایی رقابت‌های درون حزبی یعنی بایدن باشد.

۲۰. هریس چند اولین را با خود یدک می‌کشد. او اولین زنی بود که به معاونت رئیس جمهوری آمریکا رسید. او همچنین اولین آسیایی تبار در این بخش بود. پیش از این نیز زندگی او با اولین‌ها قابل توصیف بوده است.

۲۱. هریس در دوران سناتوری اش به دلیل به چالش کشیدن مقامات دولت ترامپ در جلسات استماع کنگره به شهرت رسید. شهرت او در مهار تندوری‌ها و به نقد کشیدن مقامات دولت و همچنین تجربه ناشی از آنها، یک مزیت بزرگ برای معاون رئیس جمهور آمریکاست.

۲۲. دیدگاه‌های چپ‌گرایانه هریس شاید کمی او را با کارگران یقه سفید نزدیک به طبقه متوسط درگیر کند. این ضعف قرار است با معرفی یک معاون مناسب حل شود.

۲۳. برای دیده نشدن ضعف‌های هریس، تلاش کمپین دموکرات‌ها شکل دهی به روند «نه به ترامپ» است. دموکرات‌ها در سال ۲۰۲۰ نیز با نه به ترامپ کاخ سفید را به دست آوردند و به نظر می‌رسد با وجود تمام اقداماتی که ترامپ برای اصلاح چهره خود انجام داده است، همچنان «نه به ترامپ» در جامعه آمریکا کار می‌کند.

۲۵. هریس اگر بتواند جمعیت زنان، مخالفان ترامپ، رنگین پوستان، آفریقایی تباران، هیسپان‌ها و طرفداران مترقی و مردم پایین دست را به میزان قابل توجهی تحت تاثیر قرار دهد، قادر خواهد بود بر ترامپ غلبه کند. بدون موج سازی بزرگ، صرف وجود برتری نسبی در این حوزه‌ها نمی‌تواند به پیروزی هریس منتهی شود.

روند ۳ دهه‌ای آرا علیه محافظه‌کاران

از نگاه جمهوریخواهان، قاعده رای دهنده به محافظه‌کاران در جامعه کمتر از قاعده طرفداران دموکرات‌هاست و از این رو باید ساختارها به گونه‌ای تنظیم شود که آنها نیز بتوانند راس قدرت را در دست بگیرند. از سال ۲۰۰۸ به بعد، همواره این دموکرات‌ها بوده‌اند که اکثریت آرا را کسب کرده‌اند. در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ اوباما به پیروزی رسید و در انتخابات ۲۰۱۶ نیز هیلاری کلینتون موفق به کسب اکثریت آرا شد اما به دلیل سیستم الکترال از راهیابی به کاخ سفید بازماند. در سال ۲۰۱۶ کلینتون تقریبا ۳ میلیون بیشتر رای آورد. دموکرات‌ها در انتخابات بعدی در سال ۲۰۲۰ حدود ۷ میلیون رای بیشتر آورده و کاخ سفید را پس گرفتند. اوضاع جمهوریخواهان پیش از ۲۰۰۸ نیز چندان خوب نبوده. اگر سال ۱۹۹۲ را مبنا قرار دهیم، در این سال جورج بوش پدر به‌عنوان فاتح جنگ سرد، انتخابات را به بیل کلینتون جوان و ۴۶ ساله که فرماندار یک ایالت بود باخت. در سال ۲۰۰۰ نیز ال‌گور، معاون بیل کلینتون تقریبا آرایی مساوی با جورج بوش پسر در محدوده ۵۰ میلیون رای داشت؛ هرچند در این انتخابات بحث برانگیز با مداخلات صورت گرفته، بوش به قدرت رسید. در انتخابات ۲۰۰۴ جمهوریخواهان با موفقیت‌های زودگذر ناشی از اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۴، تنها ۳ میلیون رای بیشتر آوردند. از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۴، بدون تقلب و موارد دیگر، جمهوریخواهان با فتح دو کشور در جهان تنها در سال ۲۰۰۴ آرای بیشتری داشتند. روندی که از سال ۱۹۹۲ آغاز شده، نشان می‌دهد محافظه‌کاران به سختی قادر به جلب آرای اکثریت هستند. شاید به همین دلیل باشد که آنها حرکت‌های گریزگونه را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بوش پسر در انتخابات ۲۰۰۰ دست به تقلب زد و برای انتخابات ۲۰۰۴ نیز دو جنگ به راه انداخت. ترامپ سال ۲۰۱۶ نیز با وجود سردادن برخی شعارها که به طور سنتی به حزب دموکرات تعلق داشت، ۳ میلیون رای کمتر آورد و در انتخابات ۲۰۲۰ نیز کوشید بدون توجه به آرا، قدرت را در دستان خود حفظ کند. هجوم هواداران وی در ۶ ژانویه به کنگره که در حال تایید نتیجه انتخابات بود، در این راستا قابل ارزیابی است. به نظر می‌رسد جمهوریخواهان برای مقابله با وضعیت جدید، روند داخلی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند که بر مبنای غلبه بر فرآیندهای دموکراسی است. لازمه این غلبه سوءاستفاده و البته اعمال زور است.

تبعات حمله پهپادی یمن به تل‌آویو ادامه دارد

حزب‌الله جنوبی و اسرائیل

امیررضا مقومی
پژوهشگر مسائل بین الملل

در بین اعضای محور مقاومت، هیچ‌کدام به اندازه انصارالله که مایکل نایتز از آن به «حزب‌الله جنوبی» یاد می‌کند، دست‌شان برای اقدام تهاجمی باز نیست. به تعبیر دیگر، در شرایط فعلی، انصارالله پیشانی عملیات‌های تهاجمی محور مقاومت جهت ۱- حمایت از مقاومت فلسطین از طریق تخلیه توان نظامی و کاهش تاب‌آوری اجتماعی رژیم و ۲- فشار به منظور توقف جنگ غزه است. برقراری معادله بازدارندگی در برابر انصارالله‌ی که صرفا بر بخشی از یمن حکمرانی می‌کند و در مجامع بین‌المللی نیز به عنوان دولت رسمی این کشور شناخته نمی‌شود و عملا دارایی‌های کمی برای از دست دادن دارد، بسیار سخت است.

بر این موارد، باید این نکته را که بخشی از جمعیت قابل توجه مناطق تحت حکمرانی انصارالله در یمن از آن حمایت می‌کند و حتی پس از طوفان الاقصی نیز مشروعیتش در سطح ملی و فراملی افزایش پیدا کرده است، اضافه کرد. گذشته از این، در طول تاریخ و به‌ویژه پس از جنگ ائتلاف سعودی علیه انصارالله، مردم یمن با شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی مواجه بوده‌اند که همین امر انصارالله را کمتر از دیگر دولت‌ها تحت فشار مردم قرار می‌دهد. به تعبیر دیگر، انتظارات مردم یمن از انصارالله پایین است و همین امر آزادی عمل آن را بیشتر می‌کند.

این در حالی است که دیگر ارکان محور مقاومت با مباحث متعدی روبه‌رو هستند. حزب‌الله لبنان با چالش‌های ملی و فراملی عدیده‌ای مواجه است و علی‌رغم توانمندی بسیار بالا، اما باید بسیار سنجیده رفتار کند. همین موارد کم و بیش درمورد سوریه، گروه‌های مقاومت عراق و جمهوری اسلامی ایران نیز صدق می‌کند.

با این اوصاف مقامات صنعا، با فکر و راهبرد مشخص حمله پهپادی به تل‌آویو یا به تعبیر دقیق‌تر «هارتلند اسرائیل» را ترتیب دادند. این حمله به گفته خود تحلیلگران رژیم، «هفت اکتبری دیگر برای اسرائیل و به‌ویژه نیروی هوایی» آن بود که ایماژ قدرت پدافندی چندلایه‌ای اسرائیل را شکست. اسرائیلی که همواره از تکرار حمله موشکی-پهپادی انصارالله به آرامکو عربستان واهمه داشت، در ژوئیه ۲۰۲۴ طعم تلخ آن را چشید. همچنین این عملیات، بی‌شک به جهت مشروعیت‌زایی منطقه‌ای و ملی برای انصارالله حائز اهمیت خواهد بود و قدرت نظامی آن را به رخ بسیاری از کشورهای منطقه و به‌ویژه عربستان و امارات خواهد کشاند. بن‌بست آتش‌بس عربستان با انصارالله نیاز به شوک داشت که این حمله می‌تواند به منزله شوکی برای احیای مذاکرات و بهبود روند آن باشد. صحبت‌های اخیر مقامات ارشد انصارالله در تهدید عربستان، در این قالب قابل تحلیل است. با این حال، پاسخ نظامی اسرائیل نیز قابل پیش‌بینی بود. برای رهبران اسرائیل، تضعیف بیش از این بازدارندگی و تصویر قدرتمندی آن، غیرقابل قبول بود. بر همین اساس نیز، رژیم دقیقا به جایی حمله کرد که هم بتواند آسیب دردناک به انصارالله وارد کند و هم با انتشار تصویر مناسب از آتش‌سوزی گسترده، جبهه داخلی را ارضا، متحدان را راضی و پیامی هشداردهنده به دشمنان صادر کند.

حمله پهپادی انصارالله به رژیم، موجب توجه بیش از پیش اسرائیل به چنین حملاتی خواهد شد و شاید کمتر شاهد آن در آینده باشیم؛ اما همچنان مزیت حملات دریایی و محاصره ایلات و هدف قرار گرفتن کشتی‌های تجاری به مقصد رژیم صهیونیستی یا مرتبط با آن، برای انصارالله محفوظ است و این دقیقا نقطه قوت این جنبش به حساب می‌آید که حتی ائتلافی به قدرتمندی و به رهبری آمریکا- بریتانیا نیز علی‌رغم گذشت چند ماه از حملات مداوم به انصارالله، نتوانسته جلوی آن را بگیرد.

کوتاه سخن اینکه انصارالله مناسب‌ترین گزینه برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل و غرب است و استیصال ائتلاف آمریکایی- بریتانیایی نیز موید این موضوع است. بر همین اساس، محور مقاومت باید تمرکز خود را بر تقویت و بیشینه‌سازی قدرت انصارالله معطوف سازد.

نکات

۱. در جامعه آمریکا انحصار سفیدپوستان آنگلوساکسون پروتستان یا به عبارتی دقیق‌تر آنگلوپروتستان‌ها شکسته شده است. امروزه چند گروه دیگر نه‌تنها به دنبال حق و حقوق خود، بلکه به دنبال سهمی از قدرت هستند. گروه‌های غیرآنگلوساکسون موقعیت خود را در جامعه آمریکا طی دهه‌های اخیر تثبیت کرده و در حال پیشروی در نهادهای قدرت هستند. نهادهای قدرت نیز راهی جز امتیازدهی به این گروه‌ها ندارند و اساسا به دنبال استفاده از مدیران گروه‌های قومی اقلیت برای کنترل جمعیت مهاجران و اقلیت‌ها هستند.

۲. حادثه ترور ترامپ یک محبوبیت و موفقیت بزرگ ولی زودگذر بادکنکی برای او ایجاد کرد. حادثه ترور با تحولات بعدی تقریبا از اهمیت افتاده است. شاید امروز بتوان دلیل عدم استفاده ترامپ از تفنگ اتهام‌زنی پس از ترور را فهمید. ترامپ پس از ترور انگشت اتهام را به سمت رقبا نگرفت؛ هرچند این اتفاق باعث شد چهره‌ای نجیبانه از ترامپ ساخته شود اما به نظر می‌رسد به موازات چنین هدفی، او هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرده است. به عبارتی دیگر او گلوله اتهام زنی را بلافاصله پس از ترور شلیک نکرد تا در زمان مناسب قادر به شلیک آن باشد. در حال حاضر وضعیت برخلاف خواست ترامپ تغییر یافته و احتمال دارد ناتوانی او از تغییر اوضاع، باعث آتش توپخانه اتهام‌زنی او بر مبنای ترور شود.

۳. پرونده سقط جنین برای جامعه آمریکا با بی‌بندوباری شدید، موضوع مهمی است. بسیاری از ساکنان آمریکا به دلیل مزایای حق سقط جنین برای خود، حامی آن هستند.